

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

شنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۵
۲۰ ربيع‌الاول ۱۴۴۸
۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
• شماره ۵۴۷۲۲
۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱
• اذان مغرب ۱۸:۰۴
• اذان صبح فردا ۴:۲۰
• طلوع آفتاب ۵:۴۵



به دلیل قطع جریان زاینده‌رود، تعداد زیادی از ماهی‌ها تلف شده و تعدادی گرفتار در چاله‌های باقی‌مانده از آب شده‌اند. خشکی رودخانه زاینده‌رود، مهم‌ترین رودخانه فلات مرکزی ایران، در سال‌های اخیر به مادر چالش‌های محیط‌زیستی اصفهان بدل شده. برآیند خشکی این رود و پایاب آن، «تالاب واخونی»، فرونشست، آلودگی هوا و فعال‌شدن کانون‌های گردوغبار را در شرق اصفهان رقم زده است. عکس: رسول شجاعی، ایرنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

در سینماک موزه هنرهای معاصر تهران مطرح شد

قدردان فعالیت‌های مهدی فیروزان هستیم

کتاب‌های منتشرشده نیست».

کیائیان به تشریح چگونگی شکل‌گیری شهر کتاب و تأثیر فیروزان بر رویه آن پرداخت و گفت: «این اقدام پسندیده همچنان ادامه پیدا کرد و باعث ایجاد انگیزه برای راه‌اندازی کتاب‌فروشی‌های زنجیره‌ای شد و همه اینها نتیجه مدیریت و دوراندیشی فیروزان بود و من به عنوان ناشر بابت این درایت از ایشان سپاسگزارم».

شیرین احمدنیا، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز در این مراسم گفت: «یک کتاب‌فروشی می‌تواند جایی باشد که در آن مکت کنیم، با نوشته‌ای آشنا می‌شویم، نویسنده را بشناسیم و با جهان اندیشه و تعقل آشنا شویم. فضای فرهنگی الزاما یک مکان فیزیکی نیست؛ یک جوان در خانه نیز می‌تواند از طریق صفحه نمایش گوشی خود به محصولات فرهنگی دسترسی پیدا کند. بنابراین امروز بزرگداشت یک فرد نیست، بزرگداشت ایده است و برای سرمایه‌گذاری در فرهنگ و به خاطر تلاش‌های فرهنگی آقای فیروزان سپاسگزاری می‌کنیم، چون فرهنگ را هر نسل باید دوباره بسازد».

محمود دولت‌آبادی، نویسنده نامدار و از دیگر سخنرانان این مراسم، در ابتدا عنوان کرد: «گمان می‌کنم خلق ادبی و هنری امری است که در خلوت انجام می‌شود، اما ارائه آن به جامعه به‌تنهایی ممکن نیست». محمود دولت‌آبادی با اشاره به برخی طرح‌ها برای تغییر روند انتشار کتاب افزود: «قبلاً در وزارت ارشاد مطرح شده بود نویسندگان اجازه بگیرند و خود کتاب‌ها را منتشر کنند. من گفتم از تفکیک کارها قرن‌ها گذشته است». او ادامه داد: «آن اشخاص نه هوشنگی بودند و نه ویگردی، بلکه ولگرد بودند». او ادامه داد: «از ما نظر خواستند که آیا کتاب صوتی خوب است که گفتیم خوب است و این‌گونه شد که آقای فیروزان پدر معنوی «فیدیو» شدند. به هر حالت هرجا در این مسیر رفتیم از فیروزان خبری نبود، اما آتارش پیدا بودند».

بیزن ییزنی، خوش‌نویس موسیقی‌دان نیز با اشاره به همکاری خود با فیروزان گفت: «۱۳ سال در بخش گرافیک انتشارات سروش فعالیت می‌کردم. زمانی که فیروزان مدیر این مجموعه شد، در مدت کوتاهی انتشارات را به تیش درآورد. رفقاوآمد مؤلفان و نویسندگان بیشتر شد و صدها کتاب ماندگار از جمله کتاب «ایران» و کتاب حافظ با خط نستعلیق استاد امیرخانی چاپ و منتشر شد». او یکی از اقدامات مهم فیروزان را پایه‌گذاری بخش موسیقی در انتشارات سروش دانست و گفت: «فیروزان با هنرمندان و استادان دوستی داشت، کمتر مدیری را سراغ دارم که در همه ابعاد با هنر آشنا باشد».

رسول صدرعاملی، کارگردان سینما نیز گفت: «این مراسم من را برد

روزها

سینما: زبان ماندگار فرهنگ

بزرگ نیز در همین باشد که هر بار تماشا‌ی آنها، کشف تازه‌ای از انسان را ممکن می‌کند.

حقیقت در سینما، حقیقتی خشک و گزارش‌ی نیست. حقیقت در زبان تصویر، از مسیر احساس، استعاره، سکوت و تأمل عبور می‌کند. گاه یک نمای طولانی، بیش از هزار واژه از وضعیت انسان سخن می‌گوید و گاه سکوت یک شخصیت، رستار از پرشورترین خطابه‌هاست. سینما، هنر آشکارکردن ناگفته‌هاست؛ هنری که میان واقعیت و خیال پلی می‌زند تا حقیقتی عمیق‌تر را آشکار کند. از این منظر، فیلم‌ساز نه صرفاً روایتگر، بلکه جست‌وجوگر حقیقت است و دوربین او ابزاری برای کاوش در لایه‌های پنهان جهان و جان آدمی.

در روزگار غلبه تصویرهای گذرا و مصرفی، سینمای اصیل همچنان سگر اندیشه است. هنر متعالی، هرگز به تولید هیجان‌های زودگذر رضایت نمی‌دهد، بلکه ذهن را به پرسش، وجدان را به بیداری و احساس را به تعالی فرامی‌خواند. امروز نیز هر فیلمی که بتواند گفت‌وگویی تازه میان نسل‌ها ایجاد کند، مخاطب را به همدلی دعوت کند و او را به بازنگری در نگاهش به زندگی و جامعه برانگیزد، رسالت فرهنگی خود را به انجام رسانده است. ارزش یک فیلم بزرگ فقط در کیفیت ساخت یا موفقیت تجاری آن نیست، بلکه در توانایی آن برای درگرون‌کردن افق نگاه انسان است.

احمد افروز: فرارسیدن روز ملی سینما فرصتی است برای درنگی دوباره بر هنری که نه‌تنها روایتگر جهان، بلکه روایتگر انسان است. سینما، بیش از آنکه مجموعه‌ای از قاب‌ها و صداها و روایت‌ها باشد، تجربه‌ای فلسفی از زیستن است؛ تجربه‌ای که مخاطب را از سطح تماشا فراتر می‌برد و به تأمل درباره معنای دیدن، حقیقت، زمان و خویشن فرامی‌خواند. در جهانی که شتاب، فرصت اندیشیدن را از انسان ربوده، سالان تاریک سینما هنوز یکی از معدود مکان‌هایی است که می‌توان در آن، روشن‌تر از همیشه، خود را دید. فیلم‌های ماندگار زمانی در حافظه جمعی جای گرفته‌اند که توانسته‌اند رنج، امید، عشق، عدالت و هویت انسان را صادقانه روایت کنند. از شاهکارهای کلاسیک جهان تا آثار ارزشمند سینمای ایران، آنچه در ذهن مخاطب باقی می‌ماند، فقط داستان یا جلوه‌های بصری نیست، بلکه احساسی است که فیلم در جان او می‌نشاند و پرسشی که پس از پایان نمایش همچنان با او باقی می‌ماند.

تماشاگر در مواجهه با پرده نقره‌ای، فقط ناظر سرگذشت شخصیت‌ها نیست؛ او به تماشا‌ی خویشتن می‌نشیند. اضطراب، امید، عشق، شکست، تنهایی و رستگاری را در چهره دیگران می‌بیند و ناگهان درمی‌یابد روایت فیلم، امتداد زندگی خود اوست. این همان نسبت شگفت میان هنر و انسان است؛ نسبتی که سینما را به آینه‌ای بدل می‌کند که تصویر ما را نه در ظاهر، بلکه در زرقای وجودمان منعکس می‌کند. شاید راز ماندگاری فیلم‌های



فرارو خبر داد علیرضا زاکانی، شهردار تهران در یک پایگاه بسیج گفت: «اگر بی‌انضباطی مالی و بی‌دقتی به برخی مفسده‌ها وجود دارد، باید تمام ظرفیت‌ها را به سمت ساماندهی سوق دهیم، لذا امروز باید کشور از ارتزاق از چاه نفت عبور کند و تدبیر جددی داشته باشد و به ظرفیت‌های دیگر فکر کند و این ظرفیت‌ها وجود دارد». او ادامه داد: «در حال حاضر با وجود افزایش قیمت‌ها، بیش از ۴۰ میلیارد دلار طلا و اسکناس در بانک مرکزی وجود دارد و باید اقتصاد به مردم واگذار شود و راهکار آن اقتصاد مقاومتی است و باید از این مشکلات نقطه پرش برای آینده ایجاد کنیم و بین قوا و اجزا فرقی نمی‌کند».

آینده‌خوانی

متن‌های بی‌صاحب

فردین علیخواه، جامعه‌شناس، در متنی به چگونگی استفاده روزانه از هوش مصنوعی اشاره کرده و در عین حال به بازدهی و نتیجه استفاده از این ابزار پرداخته است. بخش‌هایی از یادداشت او در ادامه می‌آید.

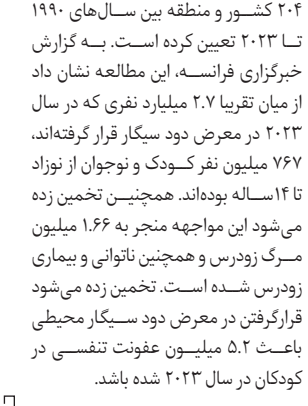
با فراگیرشدن هوش مصنوعی، پیش‌بینی من این است که به‌تدریج افراد بسیاری فیلم‌نامه‌نویس، شاعر، مقاله‌نویس، جستارنویس و نویسنده خواهند شد. بسیاری پایان‌نامه‌هایی بی‌نقص خواهند نوشت بی‌آنکه دیگر لازم باشد برای نوشتن آنها در میدان انقلاب تهران به کسی سفارش بدهند. فوج‌فوج کتاب ترجمه و انبوهی متن، شعر، داستان و مقاله تولید خواهد شد. شما هم مانند من فکر می‌کنید که سرعت اضافه‌شدن عنوان‌ها و خروجی‌های تازه به رزومه‌ها بیشتر شده است؟ مترجمی که در فاصله‌ای کوتاه چندین عنوان کتاب به کارنامه‌اش اضافه می‌کند؛ دانشگاهی که که انکار یک دستگاه تولید مقاله در اختیار دارد؛ روزنامه‌نگاری که زوده‌زود مصاحبه، یادداشت، جستار و مقاله می‌نویسد، پژوهشگری که اثر پژوهشی‌اش را در کوتاه‌ترین زمان به پایان می‌رساند، اما نمی‌تواند چند دقیقه درباره پژوهش خودش حرف بزند. در گذشته می‌گفتند خلق اثر نیازمند اندکی کناره‌گیری و خلوت است. حالا با آدم‌هایی مواجه‌ایم که بسیار مشغله دارند. اما اندام اثر خلق می‌کنند. در روزگاری که خیلی‌ها از بی‌انگیزگی، فرسودگی و نداشتن وقت می‌گویند، این حجم از تولید واقعا تأمل‌برانگیز است. هوش مصنوعی فقط سرعت تولید متن را بالا نبرده، بلکه به نظر می‌رسد سرعت «رزومه‌سازی» را هم افزایش داده است. شاید به‌زودی با نوعی «توروم رزومه» مواجه شویم؛ رزومه‌هایی بر سر عنوان و خروجی، اما عنوان‌هایی که دیگر مثل گذشته افراد را از یکدیگر متمایز نمی‌کنند. نکته جالب این است که تقریباً هیچ‌کس به نقش هوش مصنوعی در خلق اثرش اشاره نمی‌کند؛ انکار نوعی توافق ناوشسته شکل گرفته که بهتر است این بخش از ماجرا را نادیده بگیریم. کسی نمی‌گوید: «متن من را با هوش مصنوعی نوشته‌ام» یا «بخش بزرگی از کار را هوش مصنوعی انجام داده است». اثر با همان

لحن سابق عرضه می‌شود و نام صاحب اثر هم بر همان متن و کتاب می‌نشیند. در این معنا، متن کم‌کم شبیه کسی شده است؛ عکس‌هایی که این روزها خیلی‌ها با هوش مصنوعی می‌سازند و با آنها تفرن و بازیگوشی می‌کنند. شاید به‌تدریج تولید متن هم به همین اندازه آسان، سریع و بی‌فرتنه شود؛ چیزی که می‌توان ساخت، تغییر داد، بازسازی کرد و دوباره ساخت، بی‌آنکه فرایند تولیدش چندان به چشم بیاید. همان‌طور که امروز کسی نمی‌گوید: «من با ماشین حساب حساب کردم». شاید در سال‌های آینده نیز استفاده از هوش مصنوعی آن‌قدر عادی شود که دیگر کسی احساس نکند لازم است آن را اعلام کند. اما فعلاً ماجرا فقط عادی‌شدن یک ابزار نیست؛ بخشی از آن، پنهان‌کردن میزان اتکای خود به این ابزار است. در آینده‌ای نه‌چندان دور، شاید دیگر مسئله اصلی این نباشد که چه کسی می‌تواند بنویسد. من فکر می‌کنم تقریباً همه می‌توانند بنویسند. مسئله این خواهد بود که چه کسی می‌داند «درباره چه چیزی باید نوشت»، چه کسی حرفی برای گفتن خواهد داشت و چه کسی می‌تواند خوب را از بد، اصیل را از فیک و ماندگار را از متن فست‌فودی تشخیص دهد. اما نگرانی بیشتر من این است که اگر تشخیص اینکه چه چیزی واقعا ارزش نوشتن دارد را هم به هوش مصنوعی بسپاریم، آن‌وقت دیگر فقط نوشتن را به ماشین واگذار نکرده‌ایم؛ بلکه کشف، انتخاب و یافتن ایده را هم به او سپرده‌ایم. در آن صورت، شاید دیگر سؤال اصلی این نباشد که چه کسی متن نوشته است؛ سؤال این باشد که چه کسی تصمیم گرفته چه چیزی نوشته شود.

خبرخوانی

در چنین جایگاهی، نقش سینماگران ارزشی فراتر از آفرینندگان آثار هنری می‌یابد. آنان حافظان حافظه فرهنگی، روایان روایها جمعی و معماران تخیل یک ملت‌اند. هر فیلمی که با صداقت، آگاهی و مسئولیت خلق می‌شود، بخشی از هویت فرهنگی جامعه را ثبت می‌کند و به میراث آیندگان می‌سپارد. سینماگران، با زبان تصویر، تاریخ عاطفی یک سرزمین را می‌نویسند؛ تاریخی که گاه از اسناد رسمی ماندگارتر و از روایت‌های سیاسی صادقانه‌تر است. از همین رو، پاسداشت آنان، پاسداشت اندیشه، خلاقیت و سرمایه فرهنگی جامعه است.

روز سینما فقط بزرگداشت یک هنر نیست؛ تجلیل از انسان‌هایی است که با رنج آفرینش، جهان را اندکی قابل فهم‌تر و زندگی را اندکی قابل تحمل‌تر کرده‌اند. آنان با هر فیلم، پنجره‌ای تازه به سوی حقیقت می‌گشایند و امکان گفت‌وگویی عمیق میان انسان و خویشن را فراهم می‌آورند. اگر تمدن‌ها با اندیشه ماندگار می‌شوند، سینما یکی از روشن‌ترین زبان‌های اندیشه در عصر ماست؛ زبانی که نور را به معنا، تصویر را به تفکر و روایت را به زیستن پیوند می‌زند. روز سینما، یادآور مسئولیت ما در پاسداشت این هنر متعالی و تکریم سینماگرانی است که چراغ دیدن، اندیشیدن و امید را در تاریکی زمانه روشن نگاه داشته‌اند؛ زیرا تا انسان مشتاق فهم خویش و جهان پیرامون خویش باشد، سینما نه صرفاً یک هنر، بلکه ضرورتی برای تداوم فرهنگ، گفت‌وگو و معنای زندگی خواهد ماند.



انوشه انصاری ۶۰ساله می‌شود. او ۲۰ سال پیش به عنوان اولین ایرانی به فضا رفت. انصاری پیش از آن یک کارآفرین فناوری بود و پس از بازگشت نیز بخش مهمی از فعالیتش را به حمایت از فناوری‌های نو و ایده‌ها اختصاص داد. او در منسب به دنیا آمد و تحصیلاتش را پس از مهاجرت به آمریکا در دانشگاه‌های جرج میسون ادامه داد و همیشه رؤیای فضانوردشدن همراهش بود. او برای مأموریت آموزش دیده و ابتدا به عنوان خدمه ذخیره سایوز در نظر گرفته شده بود. وقتی تاجر ژاپنی توانست تأیید پزشکی پیدا کند، انصاری به روپایش رسید و در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶ به فضا سفر کرد.

۶۰ سال

